روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

سه‌شنبه ۹ دی ۱۳۹۳ ■ ۷ ربیع‌الاول ۱۴۳۶ ■ ۳۰ دسامبر ۲۰۱۴ ■ سال هفتم ■ شماره ۱۴۹۸ ■ ۱۶ صفحه ■ ۵۰۰ تومان

■ اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

۹ دی، روز بصیرت ملت و بیعت مجدد با ولایت را به عموم ایرانیان تبریک می‌گوییم

با وجود وضعیت ناسالم هوا و به‌رغم تأکید وزارت بهداشت

مدارس تهران تعطیل نشد!

صفحه ۴

شهادت ۳ پاسدار در سراوان

صفحه ۲

پاسخ شمخانی به «بیماران داخلی» که منتقد حضور ایران در سوریه و عراق هستند

تقوی در سامرا خون داد تا در تهران خون ندهیم

صفحه ۲

با وجود تکذیب و تهدید دولت، دادستان دیوان محاسبات مدارک برداشت غیرقانونی از صندوق توسعه‌ملی را رونمایی کرد

اسناد تخلف اعجاب‌آور

■ برداشت غیرقانونی ۴/۱۰۵/۴۱۹/۱۳۶ دلاری محرز است

■ دولت برای لاپوشانی تخلف خود سند معکوس صادر کرده است

صفحه ۳

عکس: عرفان کوجاری، تسنیم

تیترهای روز

بررسی تاریخی فتنه در گفت‌وگوی «وطن امروز» با حشمت‌الله قنبری

فتنه پهلوان‌کُش است

■ یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های فتنه، شخصیت محور بودن آن به جای حقیقت‌محور بودن است

صفحات ۶ و ۱۱

ستاد کل نیروهای مسلح ٤ بازیکن سرباز را در اختیار کی‌روش قرار داد

هدیه سرلشکر به تیم‌ملی

■ سونامی تغییرات در فدراسیون فوتبال

■ دخالت‌های وزارت ورزش در فدراسیون‌ها تمامی ندارد

صفحه ۱۴

عکس‌های منتسب به نظامیان ایران نخست‌وزیر صهیونیست‌ها را کلافه کرده است

واکنش نتانیاهو به تسلیح کرانه‌باختری

صفحه ۲

دل‌نوشت

۹ دی! به‌گوشی یوم‌الله؟!

■ حسین قدیانی ■

از سررسیدم که پر از عکس پرکشیده‌هاست، «غدیر» را با تقدیر غم ورق زدم، «عاشورا» را با آشوب اشک، «تاسوعا» را بی‌دست، «زینب» را با پیام، «رقیه» را با عشق و چند برگ آن طرف‌تر، صفحه «۱۰/۹» را برداشتم و با آن موشک درست کردم و انداختمش از پنجره اتاق بیرون تا بلکه

«بچه‌های کربلای ۴» امشب در شلمچه، خیلی هم بی‌دفاع نباشند. آه! دل من امشب پیش «حاج‌حسین خرازی» است. چند روز دیگر در «کربلای ۵» همه بدنش می‌پیوندد به آن دست شهیدش. به موشکم گفتم هوای بچه‌های آدم را داشته باش. در شرق ابوالخصیب، محسن و محمد و حبیب دارند پرپر می‌شوند. آری! از پنجره اتاق، موشکم را انداختم بیرون تا «بیرونی» در تقاطع «انقلاب ـ ابوریحان» قبل از آنکه بمیرد، معنای «بصیرت عاشورایی» را بفهمد. ابوریحان به موشک من گفت: آن زمان که «حکیم بوعلی» نسخه «شفا» می‌پیچید، غربی‌ها در صف بیمارانش بودند. موشک من رفت و از راسته کتابفروشی‌ها، کتاب وصیتنامه شهدا را پیدا نکرد اما یک جلد «نهج‌البلاغه» خرید که ترجمه هیچکس نبود؛ تجربه «این عمار» بود به زبان روزگار. بعضی‌ها «علی» را «ترجمه سلیس» می‌کنند به زبان مادری اما موشک من، مردی را می‌شناسد که «علی» را «تجربه نفیس» می‌کند، منتها نه در کوچه تاریخ «کوفه» بلکه در همین خیابان انقلاب اسلامی. جای «بلال» خالی! موذن‌زاده داشت اذان می‌گفت به لهجه ایرانی. همان حوالی، موشک من رفت و افتاد حیاط خانه «آقا» و از قول من به «سیدعلی» که داشت وضوی نماز ظهر را با همان دست مجروحش می‌گرفت، گفت: من مستاجر نیستم؛ خانه‌ام «بیت رهبری» است اما «آقا»! «دشمن به آتش می‌کشم، گر تو لبت را تر کنی، من چون گلی در دست تو، کاش مرا پرپر کنی، بر رشته‌های معجر زهرا، قسم سیدعلی، خنجر به حنجر می‌زنم، گر تو هوای سر کنی». موشک من که روز «۹ دی» سرنشینش بود، رفت و رفت و رفت تا رسید بهشت زهرا؛ قطعه سرداران. نشست کنار مزار «حسن طهرانی‌مقدم» و گذاشت تا سیدالشهدای غدیر برایم فاتحه بخواند. «حسن باقری» همان‌جا به موشک من گفت: گاهی زنده‌ها برای مرده‌ها فاتحه می‌خوانند و گاهی شهدا برای «زنده/ مرده‌ها» اما موشک من هر چه گشت، «حاج احمد» را پیدا نکرد. سراغش را گفتم از «عباس کریمی» بگیرد. آمارش را داشتم از پشت پنجره. «حاج عباس» گفت: برادر احمد رفته، پرچم اسلام را بکوبد انتهای افق. سرش خیلی شلوغ است. تا «ظهور»، به ما گفته که به هیچکس وقت ملاقات ندهیم. گاهی با خدا جلسه دارد، گاهی با خون خدا، گاهی با بقیةالله، گاهی با حضرت ماه، گاهی هم با «برادران دستواره». بهشت هست و نیست. از ما هم زنده‌تر است «متوسلیان».

***

در سررسیدم که پر از عکس پرکشیده‌هاست، شهیدی هست اما صفحه کوچک سررسید، گنجایش سرش را نداشت. به موشکم گفتم برو «جزیره» و سلام نسل مرا به «محمدابراهیم» برسان. «موشک ۹ دی» هنوز به «طلائیه» نرسیده بود که «مجنون» شد. موج، او را گرفت، کنترلش از دستم خارج شد و از اوج آسمان افتاد روی زمین. آخر، نقطه صفر مرزی چشمش به استخوانی افتاد که از دل خاک بیرون زده بود. موشک من گفت: کدام مادر، جگرگوشه‌اش را اینجا جا گذاشته است؟! گفتم: پلاک ندارد؟! گفت: نه! گفتم: آن مادر را می‌شناسم؛ «مادر شهید گمنام». از سررسیدم، گشتم و گشتم تا شماره «طهرانی‌مقدم» را پیدا کردم. زنگ زدم بهشت‌زهرا که هوای موشک ما را داشته باش. در «جزیره» حسابی «مجنون» شده. گفت: ولش کن! بگذار راحت باشد! گفت: از تهران تا «اتاق بیضی» چند کیلومتر است؟! گفتم: نمی‌دانم! گفت: اندازه‌اش دست ماست؛ موشک ۹ دی، الان دارد سوختگیری می‌کند. کارش که تمام شد، بردش را می‌رسانیم هر کجا که «آقا» بخواهد.

***

از سررسیدیم که پر از عکس پرکشیده‌هاست، نگاه می‌کنم به جای خالی یک برگ... خدایا! چقدر دلم برای «۹ دی» تنگ شده. چند شب بعد که از جنوب برگشت، برایش می‌خواهم «جشن تولد» بگیرم با ۲ شمع؛ یکی به نام «عباس» و یکی به نام «حسین».

***

۹ دی، ۹ دی، ۹ دی... به گوشی یوم‌الله؟!

کلام روز

نقش رهبر انقلاب در رخداد ۹ دی

■ آیت‌الله محمدعلی موحدی‌کرمانی* ■

پیامی که حماسه ۹ دی به سران فتنه در خارج از کشور یعنی آمریکا، اسرائیل و انگلیس که در سال ۸۸ تبلیغات گسترده‌ای انجام می‌دادند که مردم ایران! به خیابان‌ها بریزید و از حق خود دفاع کنید و به قول خودشان حق ضایع‌شده خود را مطالبه کنند، داد این بود که فتنه‌گران خارج‌نشین هنوز ملت ایران را نشناخته‌اند. آنها ساده‌لوحی کردند که تلاش کردند ملت را به خیابان‌ها بکشانند. البته با همین تبلیغاتی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران انجام دادند عده‌ای فریب خورده و به دام استکبار افتادند ولی ملت ایران همواره بیدار و هوشیار است و این هوشیاری خود را در هر مقطعی از مقاطع انقلاب اسلامی به دنیا نشان داده است. راهپیمایی‌های گسترده‌ای که در زمان‌های مختلف چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از آن برگزار شده و نیز حضور گسترده در ۸ سال دفاع مقدس با هدف دفاع از نظام جمهوری اسلامی ایران، این هوشیاری را نشان داده و از این به بعد هم نشان خواهد داد.

ملت ایران همراه با مقام معظم رهبری بوده و پایبند اصول انقلاب و قانون اساسی است. اقدامات فتنه‌گران در سال ۸۸ قانون‌شکنی بود. آنها حیثیت نظام را لکه‌دار کرده و خسارت‌های گسترده‌ای به کشور وارد کردند؛ خسارت‌های اقتصادی و اجتماعی زده و موجب ریخته شدن خون بسیاری شدند که بی‌گناه وارد این ماجرا شده بودند اینها باید در روز قیامت پاسخ خدا، شهدا و امام شهدا را داده و امروز هم پاسخگوی ملت باشند. اینها اگر واقعا اعتراضی به انتخابات داشته و معتقد بودند تخلفی صورت گرفته است، باید به قانون رجوع می‌کردند. قانون همیشه راهی را در نظر گرفته است و آن این بود که کسانی که معترض بودند، درخواست می‌کردند صندوق‌هایی که احتمال تقلب در آن را می‌دادند بازشماری شود. رهبر بزرگوار انقلاب هم دستور دادند به شکایت هر کس که اعتراضی نسبت به نتیجه انتخابات دارد رسیدگی شود و برای این امر زمان لازم در نظر گرفته شود تا صندوق‌هایی که مورد اعتراض است دوباره شمارش شود. اما از آنجا که آنها خود هم می‌دانستند انتخابات سالم برگزار شده و از هیچ تقلبی هم خبری نبوده ولی برخلاف شعارهای دروغین دمکراسی‌خواهی‌شان، نمی‌خواستند شکست را بپذیرند، راه قانونی را پیش نگرفته و از طریق دیگری وارد عمل شدند؛ به خیابان‌ها ریختند و شیرینی انتخابات و حضور گسترده ۴۰ میلیونی و ۸۵ درصدی مردم را که در دنیا بی‌نظیر بود، در کام ملت تلخ کردند و عواقب دیگری را هم با وارد کردن دشمنان به صحنه فتنه، به وجود آوردند.

ادامه در صفحه ۱۶

گفت‌وگو

فتنه ۸۸، ستیز با جمهوریت و مردمسالاری بود

فتنه ۸۸ و حماسه ماندگار ۹ دی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین رضا غلامی رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

■ برای آغاز، مایلیم تحلیل جنابعالی را درباره فتنه ۸۸ بدانیم.

در قضیه فتنه، ما با چند مساله بسیار مهم و غیرقابل اغماض روبه‌رو هستیم. مساله اول، چنگ و دندان نشان دادن فتنه‌گران به جمهوریت و مردمسالاری است. تا پیش از فتنه، خصوصا در دوران حاکمیت اصلاحات، اینها خودشان را نماد، حافظ یا به عبارت واضح‌تر، سینه‌چاک جمهوریت و مردمسالاری در ایران معرفی می‌کردند اما در فتنه ۸۸ همه دیدیم که رفتار آنها با انتخاب اکثریت مردم، تا چه حد مستبدانه و دیکتاتورمنشانه بود. در واقع معلوم شد مدعیات اصلاح‌طلب‌های تندرو درباره مردمسالاری، چیزی جز ریاکاری نیست و دستیابی به قدرت، می‌تواند همه چیز من‌جمله جمهوریت و مردمسالاری را قربانی کند. البته این نوع برخورد با جمهوریت در تاریخ معاصر ایران مسبوق به سابقه است؛ شما اگر به وقایع تلخ پس از مشروطه عمیقا نگاه کنید، ملاحظه می‌کنید که همین روشنفکرنماهای به ظاهر مشروطه‌خواه بودند که از بطن مشروطه، دیکتاتوری رضاخانی و پسرش را خارج کردند و بستر یک ظلم بزرگ و تاریخی را به مردم ایران مهیا کردند. مساله دوم، قانون‌ستیزی است. همه می‌دانند که اصحاب فتنه، به خوبی با قانون آشنایی داشتند و با علم کامل به قانون و الزامات آن وارد صحنه انتخابات شدند؛ با این حال می‌بینیم اینها به قانون دهن‌کجی کردند. در واقع رفتار آنها با قانون و نهادهای قانونی به این معناست که قانون فقط زمانی خوب و مورد احترام است که به نفع ما باشد! و الا ما اجازه داریم با قانون جنگ کنیم. دقت کنید! اینها همان کسانی هستند که در دوران اصلاحات شعار قانونگرایی سر می‌دادند و مخالفان خود را به قانون‌ستیزی متهم می‌ساختند. واقعا این سوال مطرح است که اگر قانون را قبول نداشتید چرا براساس آن وارد صحنه انتخابات شدید؟ و حال که بر حسب قانون وارد انتخابات شده‌اید، چرا به الزامات آن از جمله نحوه رسیدگی به اعتراضات تمکین نمی‌کنید؟ فتنه‌گران تا الان هیچ پاسخی به این سوال ارائه نداده‌اند و ارائه هم نخواهند داد. مساله سوم، آشوب‌گرایی و مباح ساختن خشونت است. اینها در قضیه فتنه ۸۸، برای به کرسی نشاندن خواسته‌های باطل خود، زمینه آشوب‌گرایی و خشونت‌ورزی را فراهم کردند؛ سخنان یا بیانیه‌های آتشین آنها که اغلب اصل نظام را نشانه گرفته بود، کافی بود تا بهانه انواع تجمعات غیرقانونی و اشکال مختلفی از آشوب‌ها و تخریب‌گری‌ها را به‌وجود آورد؛ جالب است که فتنه‌گران هیچ تلاشی هم برای گرفتن این بهانه‌ها از دست آشوب‌گران و فریب‌خوردگان نکردند و تا آخرین لحظه، از آشوب‌ها در جهت اهداف خود بهره بردند. یعنی یا در برابر آشوب‌گری‌ها سکوت کردند یا به توجیه و تایید آن پرداختند. خب! باید سوال کرد این مردم چه گناهی مرتکب شده بودند که صدها میلیارد تومان از اموالشان در آشوب‌ها تضییع شد؟ این مردم چه گناهی مرتکب شده بودند که چرخ‌های کسب کار و به طور کل، چرخ‌های اقتصادی کشورشان بیش از یک‌سال نچرخید و هزاران میلیارد تومان به آنها ضرر وارد شد؟ این مردم چه گناهی مرتکب شده بودند که جمعی از فرزندانشان که برای حفظ امنیت عمومی شهروندان و پایان دادن به خشونت‌ها به خیابان‌ها آمده بودند، کشته یا معلول شدند؟ جالب است که همین فتنه‌گران، در دوران اصلاحات خود را به عنوان جریان ضدخشونت معرفی می‌کردند و مخالفان خود را با برچسب خشونت‌گرایی ترور شخصیت می‌کردند. مساله چهارم، همراهی فتنه‌گران با دشمنان قسم خورده نظام و ملت بود. همه دیدند که عملا رسانه‌های ضد ایرانی، نه تنها به تریبون فتنه‌گران تبدیل شده بودند، بلکه این رسانه‌ها با حضورشماری از اصلاح‌طلب‌های تندرو و فراری، به اتاق جنگ فتنه‌گران علیه ملت ایران تبدیل شدند. خب! چه اتفاقی می‌افتد که فتنه‌گران و دشمنان ملت ایران به همگرایی شعاری و عملی می‌رسند؟ در قضیه فتنه، سران همه دولت‌هایی که رابطه خصمانه با ملت ایران داشتند حتی نخست‌وزیر رژیم منحوس و خونخوار صهیونیستی از میرحسین موسوی، خاتمی و کروبی علنا حمایت کردند و آرزوی ۳۰ ساله خودشان در سرنگونی جمهوری اسلامی و به زانو در آوردن ملت غیور ایران را در حمایت از فتنه و فتنه‌گران جست‌وجو کردند. مساله پنجم که هنوز آثار آن محسوس است، ضربه حیثیتی‌ای بود که فتنه‌گران به کشور زدند. آنها با له کردن حماسه عظیم و بی‌سابقه حضور ۸۵ درصدی مردم در انتخابات و تصویر خاصی که از ایران به دنیا منتقل کردند، زمینه انواع فشارهای تازه علیه ملت ایران را در موضوعات گوناگون از جمله موضوع انرژی هسته‌ای فراهم ساختند؛ در حقیقت آنها این جرأت را به دشمنان ملت ایران دادند تا با تشدید تحریم‌های نامشروع و ظالمانه، ملت ایران را از پیشرفت هسته‌ای و بهره‌گیری صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای منصرف کنند؛ هرچند این اتفاق هرگز نیفتاد و ان‌شاءالله هیچوقت نخواهد افتاد، لکن فشار زیادی را به مردم وارد کرد و همه این فشارها محصول فتنه ۸۸ بوده و هست. پس ملاحظه کنید، اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند فتنه‌گران ظلم بزرگ و غیرقابل بخششی را علیه نظام و ملت مرتکب شدند به خاطر همین نوع مسائل است که بنده به اجمال به آنها اشاره کردم.

■ فتنه‌گران معتقدند عامل اصلی شکل‌گیری ماجراهای بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ را باید در رفتار احمدی‌نژاد جست‌وجو کرد؛ شما چه نظری در این زمینه دارید؟

اینها هیچ سند محکمه‌پسندی برای تقلب دولت احمدی‌نژاد در انتخابات ارائه نکردند. یعنی نداشتند تا ارائه کنند. از طرف دیگر، خودشان براساس نظرسنجی‌هایی که در اختیار داشتند، خوب می‌دانستند که پیروز انتخابات، احمدی‌نژاد است و نه موسوی. نکته مهم‌تر اینکه، سیستم انتخابات در ایران و تنوع نظارت در آن به نحوی است که اساسا امکان تقلب، آن هم در چنین سطحی وجود ندارد و این را هر کسی که با این سیستم، مختصر آشنایی داشته باشد تایید می‌کند. بازشماری بخشی از آرا نیز در حضور ناظران انجام و معلوم شد شمارش آرا صحیح بوده و ادعای تقلب، پوچ و بخشی از یک سناریوی عملیات روانی است؛ پس تقلب یک ادعای صد در صد باطل بود. خب! این آقایان می‌گویند منظور از تقلب، تخلفاتی است که در هفته‌های منتهی به روز رأی‌گیری صورت گرفت! سوال اینجاست که اگر احمدی‌نژاد مرتکب تخلفی شده بود، چرا تا شب رأی‌گیری از آن صحبتی به میان نیاوردند؟ مسلما اگر آنها مدرک معتبری دال بر تخلف بزرگ احمدی‌نژاد پیش از رأی‌گیری داشتند آن را تا قبل از روز رأی‌گیری در بوق و کرنا می‌کردند یا از ادامه رقابت انصراف می‌دادند؛ این در حالی است که فتنه‌گران در دروغ‌پردازی و اتهام‌زنی به دولت نهم در تبلیغات خود، از هیچ چیز فروگذار نکرده بودند چه رسد به اینکه مدرک معتبری هم دال بر تخلف احمدی‌نژاد داشته باشند؛ تمام حرف اینها این است که چرا احمدی‌نژاد در مناظره تلویزیونی، از مفاسد برخی آقازاده‌ها پرده برداشت. اینها پرده‌برداری احمدی‌نژاد را عامل اصلی شکست خود می‌دانند و تمام حرفشان مبنی بر تقلب، همین افشاگری بسیار گران علیه آقازاده‌های معروف است. البته کار احمدی‌نژاد در خصوص افشاگری، آن هم قبل از رسیدگی قضایی، قابل دفاع نیست ولی مردم ما، مردم آگاهی بوده و هستند و با ملاحظه پاسخ‌های وسیعی که به افشاگری احمدی‌نژاد داده شد، قادر به تشخیص حق از ناحق بودند. اگر قبول کنیم که افشاگری احمدی‌نژاد تقلب محسوب می‌شود، پس می‌توانیم زنجیره‌ای از دروغ‌پردازی‌ها و هتک‌حرمت‌ها علیه شخص احمدی‌نژاد توسط ستادهای انتخاباتی موسوی و کروبی را نیز تقلب بدانیم. بنابراین می‌خواهم عرض کنم این ادعاها توجیهی برای جنایاتی که فتنه‌گران علیه ملت و نظام کردند به حساب نمی‌آید.

■ آیا می‌توان به ماجرای بعد از انتخابات ۸۸، عنوان انقلاب رنگی یا مخملی داد؟

اطلاق انقلاب رنگی یا مخملی به این حوادث کار ساده‌ای نیست. مردم ما باهوش‌تر از این هستند که در چنین دام‌هایی گرفتار شوند. انقلاب‌های رنگی، عموما در کشورهایی قابل طراحی و تحقق است که نظام سیاسی سستی حاکم است یا مردم در آن کشورها از شعور سیاسی بسیار پایینی برخوردارند. من معتقدم اتفاقی که در کشور ما افتاد، جنبه تازه و پیچیده‌ای از جنگ نرم بود. در واقع، دشمن سعی کرد براساس یک برنامه‌ریزی دقیق، نه تنها از حوادث برای عملیات روانی بهره‌گیری کند، بلکه موفق شد با سوار شدن بر امواج به‌وجود آمده، مدیریت بخشی از مسائل را هم در دست بگیرد. بعضی از اصلاح‌طلب‌های تندرو هم براساس اتصالاتی که از قبل با دشمن داشتند، در این زمینه با آنها همکاری کردند. در حقیقت، فتنه، خواسته یا ناخواسته، محصول پیوند مثلث موسوی، کروبی و خاتمی با دشمن، در جهت تصاحب حاکمیت سیاسی از طریق عملیات روانی علیه مردم بود که نتیجه آن چیزی جز کودتا علیه دموکراسی و برقراری استبداد نمی‌توانست باشد.

■ چه نشانه‌هایی را می‌توانید از پیوند فتنه‌گران با دشمن مورد اشاره قرار دهید؟

اینها در ابتدا وانمود می‌کردند فقط به نتیجه انتخابات معترضند اما همه دیدیم به هیچ وجه دایره اعتراض خود را به انتخابات محدود نکردند. هر روز در یک مساله با دشمن همصدایی داشتند؛ یک روز در موضوع فلسطین، یک روز در موضوع اسلامیت نظام و ولایت فقیه، یک روز با جسارت به امام خمینی(ره)، یک روز با نفی ۱۳آبان و مساله ابراز نفرت به آمریکا و استکبار جهانی و در نهایت با توهین به عاشورا و امام حسین(ع).

■ به نظر جنابعالی، چه عاملی موجب می‌شود افراد و گروه‌های سیاسی یکدفعه به سمت استبداد چرخش کنند؟

به نظر من، چرخش فتنه‌گران به سمت استبداد یکدفعه نبود بلکه آنها سال‌ها بود با تفکرات شبه‌استبدادی خو گرفته بودند. اساسا مفهوم قدرت در ادبیات مدرن، یک روی دیگر استبداد است هرچند ظاهر آن آزاد و دموکراتیک باشد. در اندیشه مدرن، قدرت برای خدمت به مردم و باز کردن مسیر سعادت و خوشبختی برای عموم نیست، قدرت برای سلطه و کسب منافع حداکثری است؛ بنابراین من فکر می‌کنم در زیر چتر دموکراسی نیز می‌توان مستبدترین حکومت‌ها را تجربه کرد. به هر حال، فتنه‌گران حاضر شدند برای دستیابی به قدرت، مسیری را طی کنند که قربانی اصلی آن مردم بودند لذا روشن است که آنها هیچگونه صلاحیتی برای ورود به میدان سیاسی و امانتداری برای مردم ندارند، چراکه برای آنها خیانت به مردم دشوار نیست.

ادامه در صفحه ۶